شرکت‌ها

دنیای اقتصاد

اخبار شرکت خود را
به آدرس sherkat@den.ir ارسال کنید.

• شنبه
• ۱ آبان ماه ۱۴۰۰
• سال نوزدهم
• شماره ۵۲۹۵

گروه شرکت‌ها
۴۲۷۱۰۴۱۰

دلایل افت و خیز قیمت رب گوجه‌فرنگی در بازار

دنیای اقتصاد: جهش قیمت رب گوجه فرنگی در نیمه دوم سال ۹۷ اتفاق افتاد و قیمت این کالا در بازار به طرز چشمگیری افزایش یافت؛ به طوری که قیمت هر قوطی ۹۰۰ گرمی رب در مقاطعی تا ۲۴ هزار تومان افزایش یافت. در پی این جهش قیمت، مصرف رب گوجه فرنگی در بین عموم مردم کاهش یافت و حتی مردم به طبخ غذاهایی روی آوردند که نیاز به رب گوجه فرنگی نداشت، اما با گذشت مدتی دوباره قیمت رب گوجه فرنگی سیر نزولی به خود گرفت و بهای آن در بازار تعدیل شد و تقریبا به روال منطقی برگشت. اما ظاهرا قصه گرانی رب گوجه فرنگی در سال‌جاری نیز در حال تکرار است و گشت و گذار در بازار از روند افزایشی قیمت این کالا حکایت دارد. به طوری که دوباره طی هفته‌های اخیر شاهد رشد بی‌رویه قیمت رب گوجه فرنگی بوده‌ایم. طبق اعلام اتحادیه بنکداران مواد غذایی، قیمت رب گوجه فرنگی از ابتدای سال‌جاری تاکنون حدود ۶۰ درصد افزایش یافته است.

صفحه ۲۶

نیمی از بازار ایران در تسخیر محصولات دمنده

دنیای اقتصاد: پیشرفت و توسعه پایدار در هر کشوری مرهون تولید داخلی است و در شرایط حاضر کسانی که در عرصه تولید فعالیت می‌کنند را باید ستایش کرد. این صنعتگران با وجود اینکه می‌توانستند از راه‌های مختلف مانند واسطه‌گری یا واردات چند برابر تولید درآمد کسب کنند اما ترجیح داده‌اند در شرایط سخت و نفس‌گیر کنونی با چنگ و دندان در مسیر ایجاد اشتغال و خودکفایی گام بردارند و حتی با صادرات تولید ایرانی، برای کشور ارزآوری کنند. شاید هیچ چیز به اندازه فرمایش مقام معظم رهبری گویای ضرورت حمایت از سرمایه و تولید داخلی نباشد. «ما تا به کار ایرانی و سرمایه ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ و اگر تولید ملی شکل نگرفت، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد یعنی در مساله اقتصاد نمی‌تواند تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد، در این صورت استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند.

صفحه ۲۷

فلزات

افزایش قابل توجه قیمت «روی» در بازارهای جهانی

دنیای اقتصاد: نیراستار شرکت فلزات بلژیکی هلندی اعلام کرد میزان تولید سه واحد ذوب روی خود در اروپا را به دلیل افزایش قیمت برق تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد و به دنبال آن قیمت روی روز چهارشنبه گذشته در شانگهای به بالاترین سطح خود در ۱۴ سال گذشته رسید و در لندن نیز به بالاترین سطح خود در بیش از سه سال و نیم گذشته رسید. شرکت Nyrstar دومین تولیدکننده بزرگ روی و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ذوب روی در جهان است و در سراسر شمال اروپا، ایالات متحده و استرالیا فعالیت می‌کند. به گزارش بخش ترجمه شرکت‌ها، به نقل از ماینینگ ویکلی، سخنگوی شرکت نیراستار در این خصوص اظهار کرد: هزینه‌ های انتشار کربن توسط نیروگاه‌های برق که گریبان‌گیر صنایع و خانواده‌ها شده است، به این معنا است که در دنیای کنونی دیگر کارکرد چنین نیروگاه‌هایی از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست و باید به فکر موارد جایگزین آنها بود. قیمت برق در هفته‌های اخیر به دلیل کمبود انرژی در آسیا و اروپا به بالاترین حد خود رسیده است و این امر کارخانه‌های شرکت نیراستار در شهرهای بودل، بلان و آوبی را در شرایط نامساعد رقابتی با دیگر شرکت‌ها در این منطقه قرار می‌دهد و تاثیر انکارناپذیری روی روند تولید کلی این شرکت می‌گذارد. با این حال نیراستار ذکر نکرد که در شرایط کنونی تولید روی آن تا چه میزان کاهش می‌یابد یا ظرفیت تولید سه کارخانه ذوب روی این شرکت چقدر خواهد بود. یکی از تحلیلگران CRU چین در این خصوص اظهار کرد که کارخانه‌های ذوب روی در کشور چین نیز در ماه‌های گذشته چند بار تولید خود را کاهش داده‌اند و از این رو ما پیش‌بینی‌های خود را در خصوص تولید روی در مقایسه با انتظارات قبلی خود در اوایل سال ۲۰۲۱ تا ۸۰ هزار تن کاهش داده‌ایم. طبق گزارش گروه مطالعات بین‌المللی سرب و روی، در سال جاری و سال آینده بازار جهانی روی با اندکی عرضه مازاد مواجه خواهد شد و متوسط قیمت روی در سال ۲۰۲۱ را می‌توان حدود ۲۶۰۰ دلار در هر تن پیش‌بینی کرد. کارشناسان می‌گویند که مازاد تولید جهانی که در سال ۲۰۲۰ به‌وجود آمد احتمالا در میان مدت ادامه خواهد داشت و نتیجه آن افزایش موجودی روی خواهد بود که به تدریج موجب کاهش قیمت این محصول در بازار خواهد شد.

مسوولیت اجتماعی

نشان عالی مسوولیت اجتماعی به گروه مالی گردشگری

دنیای اقتصاد: گروه مالی گردشگری در نخستین دوره جشنواره روابط عمومی و مسوولیت اجتماعی، «نشان عالی مسوولیت اجتماعی ۶ ستاره» را کسب کرد و «نشان سفیر و مروج مسوولیت اجتماعی» به امیر نیکرویان، مدیر روابط عمومی گروه مالی گردشگری تعلق گرفت. به گزارش روابط عمومی گروه مالی گردشگری، نخستین دوره «جشنواره روابط عمومی و مسوولیت اجتماعی» با حضور برندهای سازمانی و تجاری کشور در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار شد. هدف از برگزاری این رویداد «کمک به اعتلای فعالیت‌های مسوولیت اجتماعی در سازمان‌ها و بهینه‌سازی آنها» عنوان شده و ممیزی، ارزیابی و تقدیر از سازمان‌های فعال در زمینه مسوولیت اجتماعی در سه سطح «در حال رشد»، «رشدیافته» و «پیشرو» انجام شده است. گروه مالی گردشگری به عنوان یک بخش خصوصی توانمند، در بخش مسوولیت‌های اجتماعی عملکرد درخشانی داشته که از جمله آنها می‌توان به نهضت مدرسه‌سازی در مناطق محروم، تاسیس بنیاد نیکوکاری یاس با هدف حمایت از اقشار نیازمند، ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه برای جوانان بومی مناطق کمتر برخوردار، کمک به مراکز درمانی و خرید تجهیزات بیمارستانی در دوران شیوع کرونا و... اشاره کرد. «مسوولیت اجتماعی» مطابق تعریف جشنواره مذکور، یکی از مفاهیم بنیادی سرآمدی است که معمولا پیاده‌سازی آن بر عهده روابط عمومی است؛ در واقع روابط عمومی سرآمد، به فراتر از وظیفه سازمانی خود عمل کرده و در نقش یک شهروند سازمانی مسوول، به عملکردی فراسازمانی می‌اندیشد و کمک می‌کند تا سازمان متبوع با انسجام لازم و قاطعیت بیشتر به سمت سرآمدی و انجام مسوولیت اجتماعی حرکت کند. «فلیپ بورمانس» رئیس انجمن بین‌المللی روابط عمومی در پیامی به این جشنواره به اهمیت مسوولیت اجتماعی برای سازمان‌های پیشرو اشاره و ابراز امیدواری کرد که برگزاری این جشنواره بتواند در نهادینه‌سازی مسوولیت اجتماعی به عنوان یکی از وظایف روابط عمومی، یاری‌رسان باشد.

اهدای نشان عالی «مسوولیت اجتماعی» به شرکت مس

دنیای اقتصاد: نخستین جشنواره روابط عمومی و مسوولیت اجتماعی با تقدیر از عملکرد شرکت مس و مدیرعامل آن به دلیل انجام فعالیت‌های چشمگیر در حوزه مسوولیت‌های اجتماعی برگزار شد. این جشنواره در مرکز همایش‌های صدا و سیما برگزار شد. در این مراسم از سازمان‌های فعال در زمینه مسوولیت اجتماعی تقدیر به عمل آمد. در این مراسم نشان عالی ۶ ستاره مسوولیت اجتماعی به ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، کمیته امداد امام خمینی (ره)، شرکت ملی صنایع مس ایران و سایر شرکت‌های پیشرو در این حوزه اهدا شد. همچنین در بخش تجلیل از «مروجان مسوولیت اجتماعی» به محمد مخبر رئیس ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، مرتضی بختیاری رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره)، اردشیر سعدمحمدی مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران، علیرضا زالی رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، نشان «سفیران و مروجان مسوولیت اجتماعی» اهدا شد.

بی‌تفاوتی دولت‌ها به نوآوران ساختمان‌سازی

دنیای اقتصاد: ساختمان به عنوان یکی از مباحث داغ در تمام ادوار تاریخ معاصر ایران در کانون مباحث و حواشی متعدد دیگر نیز بوده است. یکی از شعارهای دولت جدید نیز در بدو انتخابات، ساخت ۴ میلیون واحد مسکن برای تامین نیاز کشور بوده که همین شعار نیز در کانون مباحث ضد و نقیض موافقان و مخالفان متعدد قرار گرفته است و با این حال طرح ثبت نام آن از هفته گذشته مطرح شد. اکنون چند پرسش مهم در حوزه درستی تصمیم، ظرفیت عملیاتی‌سازی تصمیم و روش‌های انجام تصمیم مطرح است.

در همین زمینه با مسعود کریمیان، مدیرعامل موسسه بین‌المللی تحقیقات و توسعه سازه‌های قاب فلزی سبک LSSI و عضو شورای راهبردی انجمن علمی ساختمان‌های پایدار ایران در جهت تبیین مسائل و مشکلات پیش رو و راه‌حل‌های آن گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

■ **سوال نخست را به این شکل طرح می‌کنیم که آیا تصمیم به ساخت ۴ میلیون واحد در ۴ سال، با در نظر گرفتن ابعاد مختلف آن، می‌تواند تصمیم درستی باشد؟**

این پرسش شما در تبیین ماهیت و تحلیل الگوهای تصمیم‌گیری است. حقیقت این است که نیاز به مسکن در ایران تبدیل به پدیده‌ای بغرنج شده و علت آن را می‌توان در فقدان برنامه‌ریزی توسعه شهری، مهاجرت‌های ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت، انفجار جمعیت ایران در دهه ۶۰ و ۷۰ و اقتصاد بیمار ناپایدار جست‌وجو کرد که همگی ناشی از برنامه‌ها و سیاست‌های اشتباه دولت‌ها هستند. ما ۹ میلیون جوان در سن ازدواج داریم که کمبود و گرانی مسکن یکی از موانع مهم ازدواج آنها است و سالانه حدود ۴۵۰ هزار ازدواج داریم که نیاز قطعی به مسکن دارند. آمار طلاق نیز نزدیک به ۳۰ درصد از ازدواج‌ها را شامل می‌شود که مسکن عامل مهم ۳۵ درصدی فروپاشی ازدواج‌ها از آمار کل طلاق است. قطعا کشور درسال نیاز به یک برنامه منسجم ساختمانی منظم و مستمر و نه موجی و هجومی از ساخت و ساز با میانگین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار واحد دارد. اما در شرایط فعلی با برنامه ۴ میلیون واحد، چنین تصمیمی از الگوهای درستی پیروی نمی‌کند و بعید است که اجرایی شود و اثرات مثبتی ایجاد کند، بلکه تبعات منفی هم می‌تواند داشته باشد.

■ **شما اشاره کردید که این برنامه نمی‌تواند اجرایی شود و اجرای آن می‌تواند تبعات منفی هم داشته باشد! این دو نکته را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

ببینید ما در مسکن مهر تجربه کردیم که با گسیل تمام توان اجرایی کشور اعم از متخصصان و غیرمتخصصان و حتی پزشکان برای ساخت، در بهترین حالت سالانه ۴۰۰ هزار واحد برای اجرا واگذار شد. یعنی توان اجرایی کشور در واقعی‌ترین حالت این عدد است.

برای اجرای یک‌میلیون واحد توان اجرایی نداریم. از طرفی، برای چنین ساختی، ۵۰ میلیون مترمکعب بتن و ۵ میلیون تن محصول خاص فولاد نیاز است، همه اینها بیش از ظرفیت تولید این محصولات در کشور است. از طرفی طبق اظهارات وزیر، دولت باید ۳۶۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات اعطا کند. منابع این تسهیلات کجاست؟ دولت با ۲۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه و ۲۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد و همچنین بدهی ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی بانک‌ها به بانک مرکزی، توان تامین چنین اعتباری را ندارد و از طرفی نیز تزریق چنین رقمی هرساله به بازار، تورم سنگین هولناکی ایجاد خواهد کرد که قبلا تجربه کرده‌ایم. اینها مسائل ساختمانی هستند، وقتی به بهره‌برداری آن برسیم وضعیت به مراتب دشوارتر می‌شود.

امسال ما ۱۵ هزار مگاوات کمبود برق داشتیم که با فلج کردن همین صنایعی که به زور سرپا هستند توانستیم بر آن غلبه کنیم. حال برای ساخت ۴ میلیون واحد باید حدود ۱۴ هزار مگاوات نیز به ظرفیت تولید برق کشور اضافه کنیم. در حالی که وزارت نیرو نیز هیچ برنامه مدونی برای جبران آن کمبود و تامین این نیاز ندارد. سالانه حدود ۳۰ میلیارد مترمکعب فاضلاب در کشور تولید می‌شود و شبکه‌های فاضلاب که یکی از بحران‌های زیست محیطی آینده نزدیک هستند به چرخه بازیافت وارد نشده‌اند، میزان مصرف آب شهری در ایران رو به رشد است و با کمبود فزاینده منابع تامین آب روبه‌رو هستیم که هنوز اقدامی برای رفع این مشکلات از سوی دولت‌ها انجام نگرفته است که عزم بر افزایش آن هم می‌شود. از طرفی ساخت مسکن به صورت فله‌ای و رعدآسا موجب برهم خوردن توازن عرضه و تقاضا و بروز نیاز شدید بازار و ناتوانی صنایع لجستیکی صنعت ساختمان کشور برای تامین نیاز می‌شود. در نتیجه نیاز به واردات محصولات ساختمانی موجب هجوم کالاهای خارجی به بازار می‌شود. بعد از فروکش کردن موج سنگین این تب ساخت و ساز رعدآسای فله‌ای، رکود ساخت و ساز برای سال‌های متوالی بر کشور حاکم می‌شود و کمر تولیدکنندگان مصالح و محصولات ساختمانی می‌شکند و موجب بیکاری بخش عظیمی از نیروی انسانی و مهندسی ساختمان می‌شود.

■ **آیا با اعلام نظر برخی مسوولان و نمایندگان برای دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی مانند شرکت‌های چینی که توانمندی ساخت صنعتی سریع دارند، می‌توان بخشی از این مشکلات را مرتفع کرد؟**

خیر، اگر مسوولی چنین پیشنهادی می‌کند، به نظر من کم‌توجهی به مصالح و منافع ملی است. آیا درست است که برای ساخت مسکن هم به چینی‌ها وابسته باشیم؟ مگر چینی‌ها چه نوع فناوری دارند که ما نداریم؟

نخبگان علمی و صنعتی ما بیشتر از چینی‌ها تولید محتوای فناورانه می‌کنند. تنها فرقی که داریم این است که در چین برای افزایش سرانه تولید ثروت ملی از نخبگان کپی‌بردار خود نیز نوع حمایت می‌کنند. بنده با هزینه‌های شخصی خودم فناوری LSF را در ایران بنیانگذاری کردم و با کمک دیگر علاقه‌مندان به صنعتی‌سازی پیشرفته‌ترین مصالح و قطعات صنعتی‌سازی را در کشور تولید می‌کنیم در حالی که مرکز تحقیقات راه و شهرسازی به جای حمایت به رقابت با بنده آمد.

در این کشور دیگر نخبگانی که در سطوح مختلف سازه‌ای و ساختمانی در مواد و «نانو مواد»، فعالیت می‌کنند، فراوان هستند. اگر شرکتی در چین ظرف ۱۵ روز ساختمان ۳۰ طبقه می‌سازد، این قدرت آن شرکت نیست، بلکه سرمایه‌گذاری اقتصادی بخش خصوصی و دولتی و حمایت حاکمیت چین است که موجب بروز توانمندی و قدرت آن شرکت می‌شود در حالی که ما در ایران همان دانش و فناوری را داریم ولی به جای حمایت از این توانمندی داخلی به سمت ایجاد رانت برای دلالان شرکت‌های چینی می‌رویم. این در حالی است که ما کیفیت غیرقابل اطمینان و غیراستاندارد محصولات چینی در صنایع و خودروسازی و مصالح ساختمانی را به وضوح می‌بینیم به سمت تعمیق تجاری با آنها گرایش بیشتری پیدا می‌کنیم آن هم برای محصولی مانند مسکن که از اهمیت بسیار زیادی در کیفیت سازه‌ای و ساختمانی برخوردار است. از طرفی، با این بحران‌هایی که در اثر این سقوط اقتصادی دامنگیر شرکت‌ها و پیمانکاران ایرانی شده است، بلای خانمان برانداز دیگری به نام حضور خارجی‌ها در صنعت ساختمان، تیر خلاص را بر این بخش بزرگ اقتصاد داخلی شلیک می‌کند و موجب انحلال بخش مهمی از صنعت ساختمان در کشور و بیکاری نیروی انسانی و مهندسی و به طور قطع موجب خروج بخش مهمی از سرمایه شرکت‌هایی که تمول مالی دارند، از کشور می‌شود. بنابراین حضور چین در بخش ساختمان ایران ظلم بزرگی به این صنعت و منافع و مصالح ملی کشور خواهد بود.

■ **با این حساب ما از یک طرف نیاز به مسکن داریم و از طرفی نمی‌توانیم این نیاز را به صورت کوتاه‌مدت برطرف کنیم. راهکار چیست؟**

راهکار ساده است. اولا بحران اصلی مردم، مسکن نیست. بحران مسکن یک عارضه و یکی از چند عوارض موجود است مانند بحران اشتغال و درآمد، درمان عوارض وظیفه اصلی دولت نیست. دولت باید تمام توان خود را صرف درمان علت اصلی این عوارض کند.

مردم خودشان می‌توانند در قالب بخش خصوصی و سهامی‌ها و تعاونی‌ها عوارض را درمان و رفع کنند. علت اصلی، چالش‌های اقتصادی کشور است که با عوارض اولیه‌ای مانند نرخ رشد منفی اقتصاد، سقوط سرانه تولید ثروت ملی، بروز شکاف‌های عظیم طبقاتی، تضعیف تولید داخلی در سایه سنگین مافیای وارداتی برخوردار از چتر حمایتی سیاست‌های اقتصادی، عدم‌استفاده مطلوب از نخبگان علمی و اقتصادی و دانش و فناوری، بسته شدن دروازه‌های تعاملات اقتصادی با جهان و بازارهای جهانی، سقوط سنگین درآمدهای ارزی کشور، افزایش خط فقر و فلج شدن بازوی اقتصادی ملت خود را نشان می‌دهد و ناتوانی در تامین مسکن، تامین اشتغال، تامین درمان و رفاه عوارض ثانویه این بحران اقتصادی هستند. دولت به جای انحراف اذهان و افکار عمومی از بحران اصلی و صرف وقت و هزینه و انرژی برای اجرای سیاست‌های تسکین دهنده، باید به صورت جهادی با فراخوان نخبگان داخلی و خارجی برای مشکلات کشور چاره‌جویی کند.

ادامه در صفحه ۲۷

پاسخ «گروه مپنا» به گزارش «دنیای اقتصاد»

دنیای اقتصاد: پس از انتشار گزارش روزنامه «دنیای اقتصاد» با عنوان افزایش درآمدها و هزینه‌های عملیاتی «مپنا» در ۲۵ مهرماه سال‌جاری، شرکت گروه مپنا جوابیه‌ای به شرح زیر ارائه کرده که در ادامه بدون کم و کاستی طبق قانون مطبوعات منتشر می‌شود.

* * *

با عنایت به مطلب درج شده در روزنامه «دنیای اقتصاد» با موضوع «افزایش درآمدها و هزینه های عملیاتی مپنا» در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۵ جوابیه گروه مپنا به شرح زیر ارسال می‌شود. متمنی است مقرر فرمایید بر اساس قانون مطبوعات و به منظور روشن شدن اذهان عمومی متن ذیل عینا در همان صفحه منتشر شود. مطلب منتشر شده آن روزنامه با عنوان «افزایش درآمدها و هزینه‌های عملیاتی «مپنا» به قلم آقای سعید رشیدی درج شده است.

۱- در ارتباط با مقدمه گزارش،

* سود انباشته سال گذشته (مبلغ ۳۹ هزار میلیارد ریال) پیش از کسر مبلغ ۱۳ هزار میلیارد ریال بابت افزایش سرمایه، ۴ هزار میلیارد ریال بابت سود تقسیمی سال گذشته و مبلغ یک‌هزار میلیارد ریال بابت انتقال به اندوخته قانونی است که با کسر موارد مذکور مبلغ خالص آن ۲۱ هزار میلیارد ریال است که در مقایسه با مبلغ ۴۱ هزار میلیارد ریال سود انباشته در پایان سال مالی منتهی به فروردین ۱۴۰۰ نشان از افزایش ۲۰ هزار میلیارد ریالی در سود انباشته دارد که متناسب با سود خالص سال است. ضمنا پس از کسر سود تقسیمی سال‌جاری، سود انباشته شرکت معادل ۳۵ هزار میلیارد ریال است که نسبت به مبلغ ۲۱ هزار میلیارد ریالی سال گذشته، تقریبا ۱۴ هزار میلیارد ریال رشد را نشان می‌دهد.

* درآمد عملیاتی شرکت گروه مپنا شامل بخش‌های متعددی است و عمده درآمد، مربوط به قراردادهای پیمانکاری بلندمدت است که درآمد مذکور از طریق روش هزینه به هزینه (استاندارد ۹ حسابداری) شناسایی می‌شود که در سال جاری دارای حاشیه سود ناخالص بیش از ۴۰ درصد است. (با اشاره به اینکه سال گذشته این میزان ۲۹ درصد بوده است.)

* با توجه به نحوه شناسایی درآمد و نوع فعالیت شرکت که عمدتا پیمانکاری است اطلاعات تکمیلی و پیشرفت پروژه‌ها در شش ماهه دوم در صورت‌های مالی منعکس می‌شود، بنابراین گزارش‌های شش ماهه دوم تصویر بهتری از سودآوری شرکت نمایش خواهد داد.

۲- در ارتباط با ترکیب سهامداران شرکت گروه مپنا متاسفانه خبرنگار محترم آن روزنامه وزین به اشتباه شرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا را وابسته به بنیاد مستضعفان قلمداد کرده که لازم به توضیح است شرکت مذکور هیچ‌گونه وابستگی به بنیاد مستضعفان ندارد. با این توضیح نتیجه‌گیری ایشان در خصوص ترکیب هیات‌مدیره اشتباه است. ضمنا اعضای هیات مدیره با رای اکثریت سهامداران در مجمع تعیین می‌شود و عضویت در هیات‌مدیره به پشتوانه آرای دریافتی از سهامداران است.

۳- در ارتباط با تیتر «افزایش بیش از ۶ درصدی سود خالص گروه مپنا قابل توجه نیست»، اشاره می‌شود که افزایش ۶ درصدی مربوط به شرکت مپنا است، این در حالی است که گروه مپنا به همراه شرکت‌های فرعی دارای افزایش بیش از ۲/۵ برابری سود خالص است که نشان از عملکرد گروه در سال ۱۳۹۹ است. بدیهی است برای تحلیل شرکت گروه مپنا توجه به ارقام صورت‌های مالی تلفیقی توصیه می‌شود.

* گردش سود انباشته در این قسمت نیز با تحریف نگارش شده است که پیشنهاد می‌شود پاراگراف نخست از قسمت اول این جوابیه مجددا مطالعه شود.

* در قسمتی از گزارش عبارت «نسبت بدهی این شرکت نیز بالا است که نشان می‌دهد بدهی‌های این شرکت بیشتر از دارایی‌های آن است» درج شده است که بسیار عجیب به نظر می‌رسد، در صورتی که بدهی شرکت بر دارایی‌های آن فزونی یابد، مطابق با معادله اساسی حسابداری (دارایی‌ها = بدهی‌ها + حقوق صاحبان سهام) باید حقوق صاحبان سهام منفی باشد، حال آنکه در مپنا این‌گونه نیست و محاسبات نگارنده اشتباه است.

* مطابق محاسبات نگارنده با استفاده از ارقام صورت‌های مالی شرکت در جدول شماره ۱ حاشیه سود ناخالص افزایشی بوده است که به اشتباه کاهشی عنوان شده است.

در انتها ضروری می‌دانیم توجه خوانندگان را به این موضوع جلب کنیم که شرکت گروه مپنا یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی حال حاضر در کشور است که توانسته در شرایط سخت اقتصادی موجود عملکرد درخشانی از خود نشان دهد همان‌گونه که در گزارش‌های شرکت‌های زیرمجموعه مشخص است در سال ۱۳۹۹ شرکت‌های زیرمجموعه گروه مپنا با رشد بسیار خوبی در سودآوری مواجه بوده‌اند.

لازم به ذکر است گروه مپنا با وجود مطالبات ۶۴۰ هزار میلیارد ریالی از صنعت برق، تاکنون توانسته نسبت به تامین برق و تجهیزات صنعت در کشور گام‌های بلندی بردارد.

احسان آقائی ملایری
مدیر ارتباطات و بازار گروه مپنا

دنیای اقتصاد: انتشار گزارش «افزایش درآمدها و هزینه‌های عملیاتی «مپنا»» در تاریخ ۲۵ مهر سال‌جاری نگاه جامعی به عملکرد این شرکت در سال‌های گذشته داشته است که مورد تایید مسوولان شرکت «مپنا» قرار نگرفته و با ارائه جوابیه‌ای خواستار درج آن شده‌اند. بر این اساس ضمن درج جوابیه شرکت مپنا متن زیر در پاسخ به شائبه‌های مطرح‌شده تنظیم شده است. در مورد حاشیه سود ناخالص این شرکت باید گفت در جوابیه مپنا حاشیه سود بالاتر از ۴۰ درصد ذکر شده است و این رقم در گزارش «دنیای اقتصاد» حدود ۴۱ درصد (ماخذه از سایت کدال) درج شده است که مغایرتی در این خصوص وجود ندارد. در خصوص نحوه شناسایی درآمدهای این شرکت نیز توضیحات آن شرکت به گزارش منتشرشده مربوط نمی‌شود و اینکه آن شرکت در کدام مقطع از سال درآمد بیشتری دارد منافی بررسی عملکرد ماه‌های گذشته نیست. در مورد سود ۶ درصدی گروه مپنا نیز باید گفت این مورد از گزارش هیات‌مدیره برای سال مالی منتهی به فروردین ۱۴۰۰ منتشرشده در سایت کدال استخراج شده و ایرادی به روزنامه از جهت رونوشت اطلاعات داده شده وارد نیست. در مورد نسبت بدهی نیز منظور نویسنده، استفاده از اهرم بدهی برای توسعه سرمایه‌گذاری‌ها بود که همان‌طور که ذکرشده است استفاده از بدهی در مواقعی می‌تواند حتی به‌عنوان یک استراتژی خوب و مؤثر شناخته شود. به نظر می‌رسد این شرکت در این مورد دچار سوءتفاهم شده است. مطابق اعداد جدول، حاشیه سود ناخالص این شرکت در سال منتهی به ۱۴۰۰ نسبت به سال قبل از آن افزایشی بوده که در سال جاری نیز پیش‌بینی می‌شود افزایش یابد که به این صورت اصلاح می‌شود. در مورد ایرادات آن شرکت در مورد سود انباشته توجه مخاطب را به جدول ارائه‌شده در سایت کدال در ذیل تصمیمات مجمع آن شرکت جلب می‌کنم. طبق این جدول سود انباشته ابتدای دوره این شرکت حدود ۳۹ هزار میلیارد ریال بود که طی تصمیمات اتخاذشده سود انباشته پایان دوره با لحاظ تصمیمات مجمع به حدود ۳۵ هزار میلیارد ریال می‌رسد و اشاره نگارنده گزارش به همین جدول بوده است.

میزان سود قابل تخصیص و نحوه تخصیص سود بر اساس مصوبات مجمع به شرح زیر است:

شرح	سال منتهی به ۱۴۰۰/۱/۳۱ (میلیون ریال)
سود (زیان) خالص	۲۰,۱۰۸,۹۴۷
سود (زیان) انباشته ابتدای دوره	۳۹,۳۶۹,۶۳۷
تعدیلات سنواتی	۰
سود (زیان) انباشته ابتدای دوره تعدیل شده	۳۹,۳۶۹,۶۳۷
سود سهام مصوب (مجمع سال قبل)	(۳,۷۸۰,۰۰۰)
تغییرات سرمایه از محل سود (زیان) انباشته	(۱۳,۰۰۰,۰۰۰)
سود انباشته ابتدای دوره تخصیص یافته	۲۲,۵۸۹,۶۳۷
انتقال از سایر اقلام حقوقی صاحبان سهام	۰
سود قابل تخصیص	۴۲,۶۹۸,۵۸۴
انتقال به اندوخته قانونی	(۱,۰۰۵,۴۴۷)
انتقال به سایر اندوخته‌ها	۰
سود (زیان) انباشته پایان دوره	۴۱,۶۹۳,۱۳۷
سود سهام مصوب (مجمع سال‌جاری)	(۶,۰۰۰,۰۰۰)
سود (زیان) انباشته پایان دوره (با لحاظ کردن مصوبات مجمع)	۳۵,۶۹۳,۱۳۷
سود (زیان) خالص هر سهم - ریال	۵۰۳
سود نقدی هر سهم (ریال)	۱۵۰
سرمایه	۴۰,۰۰۰,۰۰۰